

## رابطه‌ی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد

امیر ملکی<sup>۱</sup>

پروانه نژادسبزی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۹

### چکیده

مقاله‌ی حاضر در صدد است از دریچه‌ی روابط حاکم در خانواده به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی و مؤلفه‌های آن بر خشونت خانگی علیه زنان در شهرستان خرم آباد بپردازد. جامعه‌ی آماری در این تحقیق زنان شوهردار تحت پوشش مراکز بهداشتی-درمانی شهری شهر خرم آباد بوده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر انتخاب بررسی شدند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ۱. کمترین تجربه‌ی خشونت خانگی در حوزه‌ی خشونت فیزیکی مستقیم و بیشترین موارد در حوزه‌ی خشونت فیزیکی غیر مستقیم و روانی-عاطفی است، ۲. در حدود نیمی از افراد بررسی شده دارای سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیاد و ما بقی دارای سرمایه‌ی اجتماعی متوسط و کم بودند، ۳. سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن نقش تعیین‌کننده‌ی در خشونت خانگی علیه زنان داشتند، به نحوی که سرمایه‌ی اجتماعی به تنهایی ۵۸ درصد واریانس خشونت خانگی را تبیین می‌کند، ۴. در تحلیل چند متغیره، پس از سرمایه‌ی اجتماعی، متغیر تحصیلات زن مهم‌ترین تبیین‌کننده‌ی خشونت خانگی علیه زنان و موثرترین منبع باارزش اجتماعی در فرایند توانمندسازی زنان شناخته شد.

**واژگان کلیدی:** سرمایه‌ی اجتماعی خانواده، خشونت خانگی علیه زنان، نظریه‌ی منابع همکاری، اعتماد، تحصیلات زن، نظریه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، malekipnu@gmail.com

۲. پژوهشگر و عضو جهاد‌انگاشگاهی واحد لرستان

### طرح و بیان مسئله

یکی از حوزه‌های مطالعه در باب سرمایه‌ی اجتماعی، بررسی فقدان حضور آن به مثابه عامل تاثیرگذار بر مسائل و آسیب‌های اجتماعی و فعالیت‌های مجرمانه در اجتماع است. فرض بر این است که چون سرمایه‌ی اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند و در مقابل، بروز مسائل و آسیب‌های اجتماعی بالفعل بازتاب نبود مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌ی اجتماعی، یعنی همکاری و اعتماد، است. این رهیافت را فوکویاما به مثابه روش جایگزینی در بحث تخمین ذخیره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی معرفی کرد که در مقابل دیدگاه‌های ایجابی سرمایه‌ی اجتماعی قرار می‌گیرد. او معتقد است به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی به منزله‌ی ارزش مثبت، و می‌توان نبود سرمایه‌ی اجتماعی یا به عبارت دیگر، انحرافات اجتماعی (از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده) را اندازه‌گیری کرد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰).

یکی از این مسائل اجتماعی که مبتلا به همه‌ی جوامع و مخصوصاً جوامع سنتی و در حال گذار است، مسئله‌ی خشونت خانگی علیه زنان است که بنا بر فرض بالا، بازتاب نبود سرمایه‌ی اجتماعی است. بنا به تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۹۳، خشونت خانگی عبارت است از هر رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، جنسی یا روانی یا رنج زنان شود. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰: ۳۰؛ رئیسی سرتشنیزی، ۱۳۸۱: ۴۹). خشونت خانگی به انواع چهارگانه‌ی خشونت عاطفی و روانی، خشونت اجتماعی و اقتصادی، خشونت فیزیکی غیرمستقیم و خشونت فیزیکی مستقیم تقسیم می‌شود.

در ایران، خشونت مردان علیه همسران خود در استان‌های گوناگون با درجات متفاوتی دیده می‌شود. استان لرستان که در منطقه‌ی غرب کشور واقع شده است، یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌آید. اقتصاد منطقه همانند گذشته مبتنی بر کشاورزی و دامداری سنتی و مناسبات اجتماعی در این جامعه‌ی سنتی مبتنی بر خویشاوندی است. در چنین نظامی، استقلال و آزادی فرد از دست می‌رود و فرد باید تابع گروه باشد. تنوع قبیله‌ای و خصوصیات عشیره‌ای سبب گردیده که فرهنگ سنتی و عشایری بسیار قوی عمل کند. نظام خانوادگی مردسالار، است یعنی نظامی که در آن اقتدار شوهر بر زن به پدیدآمدن نوع خاصی از مناسبات

قدرت در زناشویی و جایگاهی فرودست برای همسر و مادر می‌انجامد. مردان از زنان مقتدرترند و از زنان انتظار می‌رود با عرضه‌ی خدمات خانگی به شوهران خود خدمت کنند و در صورت عدم تمکین، سزاوار خشونت‌اند. اکثر اوقات ضرب‌وجرح زنان شوهردار از نظرها پنهان می‌ماند و این مشکلات خانگی بخشی از زندگی طبیعی خانوادگی به‌شمار می‌روند.

رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و خشونت خانگی علیه زنان حداقل در سه حوزه‌ی مطالعاتی بررسی می‌شود. دسته‌ی اول متفکرانی‌اند که به مطالعه‌ی پیامدهای سرمایه‌ی اجتماعی به منزله‌ی متغیری مستقل پرداخته‌اند و تأثیرات فقدان آن را بر بروز آسیب‌های اجتماعی بررسی کرده‌اند (فوکویاما، ۱۳۸۵). دسته‌ی دوم اندیشمندانی‌اند که موضوع مطالعه‌ی آنها خشونت خانگی علیه زنان است و از این منظر به کندوکاو پیرامون عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند که از این جمله می‌توان به نظریه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی الیزابت بات اشاره کرد (روی، ۱۳۷۷: ۲۱-۲۳). دسته‌ی دیگر متفکرانی‌اند که به بحث توانمندسازی زنان پرداخته‌اند و معتقدند که ارتقای سطح سرمایه‌ی اجتماعی به منزله‌ی یکی از منابع در دسترس خانواده‌ها و زنان می‌تواند احتمال بروز خشونت خانگی را کاهش دهد. نظریه‌ی منابع ویلیام گود (گود، ۱۹۸۹؛ درویش پور، ۱۳۷۸: ۵۴) و پژوهش‌های آدام زولوتور<sup>۱</sup> و دسموند کی رانیان<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) و لیزا یانگ لارنس<sup>۳</sup> و ماریان لین پورتر<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) در این حوزه قرار می‌گیرند.

مقاله‌ی حاضر درصدد است از دریچه‌ی روابط حاکم در خانواده به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی بر خشونت خانگی علیه زنان در شهرستان خرم‌آباد بپردازد. هدف اصلی سنجش میزان شیوع خشونت خانگی علیه زنان در خانواده‌های خرم‌آبادی و بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و مؤلفه‌های آن (یعنی همکاری و اعتماد) با خشونت خانگی است.

### جرایم و مسائل اجتماعی به‌مثابه فقدان سرمایه‌ی اجتماعی

چنان که ذکر شد، یکی از حوزه‌های مطالعه در باره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، بررسی فقدان حضور آن به‌مثابه عامل تأثیرگذار بر مسائل و آسیب‌های اجتماعی و فعالیت‌های مجرمانه در

<sup>۱</sup>- Adom j. Zolotor

<sup>۲</sup>- Desmond K. Ruyan

<sup>۳</sup>- Lisa Young Larence

<sup>۴</sup>- Maryann Lane Porter

اجتماع است جین جاکوبز<sup>۱</sup> که معمولاً به عنوان معرفی کننده‌ی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به جامعه‌شناسی معاصر شناخته می‌شود، این مفهوم را برای تبیین بخشی از این واقعیت که چرا برخی شهرها امن‌تر از شهرهای دیگراند توسعه داد ( جاکوبز، ۱۹۶۱).

کلمن در اولین اثر خود آنچه را تأثیر منفی افکار همدوره‌ای‌ها بر جوانان می‌دانست تشریح کرد. پس از حدود چهل سال، امروز نقش عواملی اجتماعی همچون سرمایه‌ی اجتماعی بر بزهکاری جوانان به صورت گسترده‌ای شناخته شده است (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۰۲). پاتنام در سطح ایالت‌ها، به نوعی پیوستگی منفی قوی بین جرم‌های خشن و شاخص سرمایه‌ی اجتماعی دست پیدا کرده و مدعی بود که با افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی، در صورت برابر بودن سایر شرایط، سطوح جرم پایین‌تر خواهد آمد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۰۸).

روزنفلد و همکارانش ( ۲۰۰۱) با استفاده از تکنیک مدل‌بندی معادلات ساختاری به بررسی عوامل مؤثر بر قتل در نود و دو ناحیه‌ی آمریکا پرداختند و متوجه شدند با اینکه محرومیت اقتصادی نرخ طلاق و محله‌های جنوبی همگی عوامل جدی هستند، اما در عین لحاظ کردن سایر پیش‌بینی‌کننده‌ها، سرمایه‌ی اجتماعی دارای تأثیر فراوانی بر نرخ‌های قتل است. آنها معتقدند جرم محصول کنترل اجتماعی غیر رسمی ضعیف و توان ضعیف بسیج منابع خارجی رسمی به منزله‌ی تقویت‌کننده‌ی قانون است (روزنفلد و همکاران، ۲۰۰۱: ۲۸۶ و ۲۸۷).

سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان فعالیت مجرمانه در اجتماع در نظر گرفت. همچنین، به نظر می‌رسد که سرمایه‌ی اجتماعی در تعیین احتمال روی آوردن افراد خاص به رفتار مجرمانه نقش بازی می‌کند. این بحث صرفاً مسئله‌ی نحوه‌ی عملکرد اجتماع و اعضای آن نیست؛ بلکه علاوه بر این، می‌تواند رفتار سازمان‌های مجری قانون را شکل دهد (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

آدام زو لوتور و دسموند کی رانیان (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی، خشونت خانگی و غفلت» به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی پایین به منزله‌ی عامل تهدیدکننده<sup>۲</sup> و افزایش‌دهنده‌ی تنبیهات شدید جسمانی و خشونت خانگی پرداختند و بدین

<sup>۱</sup> - Jane Jacobs

<sup>۲</sup> - risk factor

نتیجه رسیدند که ارتقای سطح سرمایه‌ی اجتماعی، به مثابه یکی از منابع در دسترس خانواده، می‌تواند احتمال بروز خشونت خانگی را کاهش دهد.

لیزا یانگ لارنس و ماریان لین پورتر (۲۰۰۴) در مطالعه‌ی زنان قربانی خشونت خانگی در بنگلادش به بررسی فرایندهای حمایت گروهی‌ای پرداختند که اعتماد و شبکه‌ی اجتماعی را در مقام شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی تسهیل می‌کنند.

به طور کلی، بر اساس تئوری‌های سرمایه‌ی اجتماعی دو عامل اصلی تشکیل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی اعتماد و همکاری است و بروز خشونت خانگی ناشی از کمبود اعتماد و همکاری میان زن و شوهر و در نتیجه، کمبود سرمایه‌ی اجتماعی خانواده است.

### پیشینه‌ی پژوهش درباب خشونت علیه زنان در ایران

در کشور افراد متعددی به تحقیق و مطالعه در این زمینه پرداخته‌اند که بااهمیت‌ترین این آثار عبارت‌اند از پژوهش درباره‌ی خشونت علیه زنان در ایران اثر مهرانگیز کار (۱۳۸۰) و خشونت خانوادگی: زنان کتک‌خورده تالیف شهلا اعزازی (۱۳۸۰).

اعزازی با مطالعه‌ی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره‌ی بهزیستی شهر تهران نشان می‌دهد که نیمی از زنان در هفته اول زندگی مشترک با خشونت فیزیکی آشنا شده‌اند (اعزازی، ۱۳۸۰). گذشته از این آثار، پژوهش‌های منطقه‌ای و دانشگاهی متعددی با جامعه‌ی آماری محدودتری انجام شده که به اختصار چند مورد از آنها را ذکر می‌کنیم.

امیرمردی در تحقیقی به بررسی مشکلات جسمی و روانی زنانی پرداخته است که به دست همسرانشان با خشونت روبرو شده‌اند. او نشان داد که شایع‌ترین مشکلات جسمی زنان در خشونت‌های خانوادگی کبودی و کوفتگی بوده است (۹۹ درصد). همچنین، از نظر روانی ۳۴ درصد از زنان افسردگی شدید داشته و ۶۵ درصد از آنان فاقد عزت نفس بالا بوده‌اند (مردی، ۱۳۷۵).

بیات در پژوهشی درباره‌ی زنان آزاردیده‌ی جسمی مراجعه‌کننده به پنج واحد پزشکی قانونی شهر تهران در سال ۱۳۷۸، به این نتیجه دست یافت که سابقه‌ی اعتیاد، زندانی شدن و ارتکاب جرایم گوناگون مرد ارتباط مستقیمی با زن‌آزاری دارد (بیات، ۱۳۷۸).

زنگنه در پژوهشی تحت عنوان "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در شهر بوشهر" نشان داد که متغیرهای سن زن و شوهر، سن ازدواج زن و شوهر،

طول مدت ازدواج زوجین، تعداد فرزندان، میزان پایداری زوجین به اعتقادات دینی، میزان آزادی زوجین در انتخاب همسر، میزان تحصیلات زن و درآمد شوهر دارای رابطه معکوس و معناداری با خشونت علیه زنان است (زنگنه، ۱۳۸۰).

بگرضایی در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر میزان خشونت مردان نسبت به زنان در شهرستان ایلام پرداخته است. نتایج حاصله حاکی از آن است که بین میزان تصمیم‌گیری زن در امور مهم زندگی با میزان خشونت علیه زنان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. نتایج کلی این تحقیق نشان داده که اکثر زنان جامعه آماری از طرف همسرانشان با خشونت روبرو شده‌اند و شایع‌ترین خشونت در بین آنها خشونت روحی - روانی بوده است (بگرضایی، ۱۳۸۲).

شهین بیلاق پس از بررسی رابطه‌ی برخی عوامل جمعیت‌شناختی با خشونت مردان نسبت به همسران خود در شهرستان اهواز، دریافت که هر چه میزان تحصیلات مردان و زنان بالاتر باشد و همچنین زنان از زندگی زناشویی رضایت بیشتر داشته باشند، خشونت‌ورزی مردان علیه همسرانشان کمتر است (کلانتری و حمیدیان، ۱۳۸۷: ۵۴).

عارفی (۱۳۸۲) با بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه نشان داد که زنان ۱۷ تا ۳۲ ساله بیشترین خشونت را تجربه کرده‌اند. همچنین، ۵۰ تا ۶۰ درصد زنانی که مورد خشونت همسران خود قرار می‌گیرند، تحصیلات ابتدایی دارند و ۲۵ درصد آنها بی‌سوادند. همچنین، ۵۰ درصد از زنان مورد خشونت فیزیکی و جسمی، ۷/۲۵ درصد مورد خشونت روانی و ۲/۲۳ درصد مورد خشونت مالی قرار گرفته‌اند (عارفی، ۱۳۸۲).

### چارچوب نظری

بخشی از نظریات مربوط به «خشونت شوهران بر ضد زنان خانواده» به دنبال شناخت الگوها و عواملی ساختاری‌اند که خانواده را مستعد خشونت می‌سازد (نظریه‌های سطح کلان) که از آن جمله‌اند نظریه‌ی خرده‌فرهنگ خشونت و نظریه‌ی فمینیستی. بخشی دیگر از نظریات رفتار و کنش متقابل بین اعضای خانواده را تبیین می‌کنند (نظریه‌های سطح میانه و خرد)، مانند نظریه‌ی منابع و یادگیری اجتماعی. هر کدام از این نظریه‌ها به بعضی از عوامل زمینه‌ساز خشونت شوهران علیه زنان توجه می‌کنند، در صورتی که پدیده‌ی خشونت علیه زنان دارای هستی چندبعدی است و باید آن را به مدد نظریه‌های گوناگونی که هر کدام در قالب رویکرد متفاوتی قابل بحث‌اند بررسی کرد.

● نظریه‌ی یادگیری اجتماعی: این نظریه را باندورا در دهه‌ی ۱۹۹۰ مطرح کرد. به اعتقاد او فرزندان از طریق والدین خود خشن بودن را می‌آموزند. مشاهده و تجربه‌ی بدرفتاری از ناحیه‌ی والدین در دوران کودکی منجر به یادگیری رفتار سلطه‌آمیز توسط مرد و آموختن تحمل زن می‌شود (فوروارد، ۱۳۷۷: ۱۷۷). به‌ویژه مطالعات تایید کرده است که میزان خشونت در خانواده‌های گسسته، به‌ویژه خانواده‌های از هم‌گسسته‌شده بر اثر جدایی یا طلاق، بالاتر از خانواده‌های سالم است (گود، ۱۹۸۹: ۱۶۶ و ۱۶۷).

● نظریه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی: بر اساس این نظریه، فرایند جامعه‌پذیری گرایش‌ها و هویت جنسیتی را در خانواده درونی می‌کند و آن را به فرزندان انتقال می‌دهد و باعث دائمی شدن سلطه‌ی مرد و مطیع بودن زن می‌شود، زیرا معمولاً از زنان تصویر آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم می‌کند. در چنین شرایطی زنان نقش جنسیتی سنتی مطیع بودن و در مقابل، مردان نقش سلطه‌گری مردانه را می‌پذیرند (شفر، ۱۹۹۲: ۹۸ و ۳۲۷).

● نظریه‌ی منابع: ویلیام گود واضح نظریه‌ی منابع در زمینه‌ی خشونت خانوادگی است. بر پایه‌ی این نظریه، نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظامی اقتداری است و هر کس به منابع مهم خانواده (شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و اطلاعات) بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در مسیر امیال خود وادار کند و تصمیم‌گیری‌های مهم با اوست (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۱). بر اساس این ایده، پژوهش‌های تجربی در ایران نشان داده‌اند که افزایش منابع قدرت مهم‌ترین عامل مقابله با خشونت مردان در خانواده است (درویش‌پور، ۱۳۷۸: ۵۴).

● نظریه‌ی ناسازگاری پایگاهی: اُبراین و گلس نظریه‌ی منابع گود را تعدیل و بر اساس آن نظریه‌ی ناسازگاری پایگاهی را تدوین کردند. بر اساس این نظریه، اگر شوهران مهارت‌ها و منابع کمتری نسبت به همسرانشان داشته باشند، به طوری که همسرانشان پایگاه انتسابی آنها را تهدید کنند، از خشونت همچون ابزاری برای حفظ پایگاه انتسابی خود استفاده می‌کنند. بر طبق این نظریه، خشونت شوهران بر ضد زنان در خانواده در همه‌ی طبقات اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و این هنگامی است که تفاوتی پایگاهی از نظر آموزش، درآمد و شغل بین زوجین وجود داشته باشد و شوهران از نظر تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی در سطح پایین‌تری از

همسرانشان قرار گیرند و احساس کنند که قدرت و پایگاه انتسابی آنها در خانواده با برتری تحصیلی و شغلی همسرانشان تهدید می‌شود (زنگنه، ۱۳۸۰)

● نظریه‌ی خرده فرهنگ: بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت، هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده فرهنگی دارای عناصر خاصی است شامل ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و اعتقادات که ممکن است خشونت شوهران بر ضد زنان خانواده را تأیید و تقویت کند یا مانع آن شود. در نتیجه، تعهد به این عناصر فرهنگی است که خشونت شوهران بر ضد زنان را در خانواده افزایش یا کاهش می‌دهد. بنابراین، بر اساس نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت، می‌توان برای تبیین خشونت شوهران بر ضد زنان در خانواده متغیرهایی مانند تعهد به اعتقادات دینی، شیوه‌ی همسرگزینی و مداخله‌ی خویشاوندان را بررسی کرد (زنگنه، ۱۳۸۰)

● نظریه‌ی فمینیستی: فمینیست‌ها نیز معتقدند که چگونگی توزیع منابع مالی در خانواده بستگی به روابط قدرت میان زن و شوهر دارد و روابط قدرت به این امر برمی‌گردد که چه کسی حق تصمیم‌گیری دارد که پول خانواده چگونه و کجا صرف شود (آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۵۷ و ۱۵۸). بر اساس رویکرد فمینیستی، روابط دو جنس اساساً رابطه‌ی قدرت است؛ رابطه‌ای که در آن، مرد از همسر خود سوءاستفاده‌ی فیزیکی، کلامی یا روان‌شناختی کرده و با به‌کارگیری خشونت، قدرت و سلطه‌ی خود را تداوم می‌بخشد. بدین ترتیب، خاتمه دادن به همسرآزاری مستلزم تجدید ساختار رابطه‌ی قدرت بین زن و مرد در جامعه است (شمس اسفندآباد و امامی‌پور، ۱۳۸۲: ۶۴).

● نظریه‌ی شبکه‌ی روابط خانوادگی: الیزابت بات به نوعی دیگر از روابط متقابل بین همسران در خانواده‌ها اشاره و دو الگوی متفاوت از روابط خانوادگی را معرفی می‌کند. او الگوی اول را مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی نامگذاری کرده است. این الگو روابطی را توضیح می‌دهد که در آن، زن و شوهر قائل به تفاوت واضحی در وظایف خوداند و نقش‌های خانوادگی را به دقت تفکیک کرده و منافع، علائق و فعالیت‌های جداگانه‌ای دارند. بات از الگوی دوم با عنوان مناسبات نقش‌های مشترک نام می‌برد که نقطه‌ی مقابل نظریه‌ی تفکیک نقش‌های پارسونز است. در این نوع از مناسبات، زن و شوهر در اکثر فعالیت‌ها با هم همکاری و همفکری دارند و تضاد منافع و علائقشان حداقل است. نظریه‌ی بات مشخصاً به شبکه‌ی روابط خانوادگی و اجتماعی خانواده اشاره دارد و بدین نتیجه می‌رسد که در خانواده‌هایی که تقسیم وظایف در آنها سنتی است، شبکه‌ی روابط اجتماعی به صورت متصل و محدود ظاهر



می‌شود، اما زن و شوهری که به صورت مشارکتی زندگی می‌کنند، دارای شبکه‌ی اجتماعی پراکنده‌اند و در این حالت خشونت به حداقل می‌رسد (روی، ۱۳۷۷: ۲۳ و ۲۱).

● نظریه‌ی آثار تعامل: بر اساس این نظریه، شرایط گفتگوی دو طرفه زمانی شکل می‌گیرد که کنش ارتباطی در مفهوم هابرماسی آن حضور داشته باشد که کنشگران در فضایی به دور از تنش نظرات خویش را تبادل کنند. هابرماس معتقد به شکل‌دهی فضای کنش ارتباطی است. در این هم‌کنشی، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند. « زبان مشترک » این امکان را فراهم می‌آورد و در صورت بروز اختلاف نظر، برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز طرفین فقط باید به دلیل متوسل شوند. پس، نیروی الزام‌آور اعمال گفتاری در گرو نیرومندی غیر خشن دلائل است (هابرماس، ۱۳۷۷: ۴۵). در موقعیت گفتاری آرمانی، قدرت و فشار برنده‌ی استدلال را تعیین نمی‌کند، بلکه فقط استدلال بهتر پیروز می‌شود. در حوزه‌ی خانواده، در صورتی که امکان گفتگوی استدلالی در میان همسران وجود داشته باشد، می‌توان سلامت خانواده را انتظار داشت، زیرا افرادی که از گفتگو و تعاملات استدلالی با دیگران خودداری می‌ورزند، مستعد گرایش به خشونت می‌شوند و همسرانی که مهارت‌های ارتباطی قوی نداشته و ظرفیت بحث، مذاکره و گفتگو را در خصوص موضوعات گوناگون ندارند، رابطه‌ی پر تنش را تجربه می‌کنند که محصول آن نارضایتی، حسد، خشونت و بدبینی است (دالوس، ۱۹۹۴: ۲۰).

● سنت‌گرایان رادیکال: اینان معتقدند که زنان خود باعث و بانی خشونت‌اند، زیرا در زمینه‌ی خشونت جنسی، زنان خود متجاوز را وسوسه می‌کنند و مسبب چنین خشونتی می‌شوند. در غرب، این طرز تفکر به این صورت تجلی می‌کند که مرد اجازه دارد همسرش را بزند، مشروط بر این که چوب از انگشت شستش ضخیم‌تر نباشد (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۲۳).

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر با روش پیمایشی اجرا شده است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق زنان شوهردار تحت پوشش مراکز بهداشتی-درمانی شهری شهر خرم‌آباد بوده‌اند که تعداد آنها بر اساس آمار مرکز بهداشت شهر خرم‌آباد ۷۰۰، ۵۷ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران حجم

نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر ۳۸۳ نفر محاسبه و نمونه‌ها بر اساس شیوه‌ی تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. واحد مشاهده‌ی پژوهش زن شوهرداری بود که در زمان پژوهش با همسر خود زندگی می‌کرد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه‌ای استفاده شد که مشتمل بر سه قسمت اصلی بود: ۱. سوالاتی درباره‌ی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان، ۲. گویه‌های مربوط به مقیاس خشونت خانگی، ۳. گویه‌هایی درباره‌ی مقیاس سرمایه‌ی اجتماعی در خانواده.

### تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

متغیر وابسته‌ی این پژوهش خشونت خانگی علیه زنان و متغیر مستقل سرمایه‌ی اجتماعی در خانواده است که در زیر تعاریف نظری و عملیاتی هر کدام از متغیرها ارائه آمده است:

۱. خشونت خانگی علیه زنان: الف) تعریف مفهومی: بر اساس اعلامیه‌ی "رفع خشونت علیه زنان" که در اجلاس عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ تصویب شد، خشونت علیه زنان عبارت است از هر رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، جنسی یا روانی یا رنج زنان شود. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰: ۳۰)

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش خشونت خانگی علیه زنان از مقیاس استاندارد حاج یحیی (۱۹۹۹) استفاده شده است که توسط خاقانی فرد (۱۳۸۲: ۹۶-۹۴) به فارسی ترجمه و معیارهای روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. این مقیاس در قالب طیف لیکرت (با دامنه نمرات ۱ تا ۵) طراحی و متشکل از ۳۴ گویه است که خشونت خانگی علیه زنان را در چهار بعد خشونت فیزیکی مستقیم، خشونت فیزیکی غیر مستقیم، خشونت روانی-عاطفی و خشونت اقتصادی-اجتماعی مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره نهایی هر فرد عبارتست از حاصل جمع نمرات او از هر گویه. به طور کلی دامنه نمرات این مقیاس از ۳۴ تا ۱۷۰ است. مقدار الفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر برابر با ۰/۹۲ است که حاکی از بالا بودن مقدار روایی آن می‌باشد.

۲- سرمایه‌ی اجتماعی خانواده: الف) تعریف مفهومی: سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی مجموع منابعی است که در ذات روابط خانوادگی وجود دارد و به مثابه هنجارهای غیررسمی

جاافتاده همکاری و اعتماد بین اعضای خانواده را تشویق و از این طریق کارایی جامعه و خانواده را تسهیل می‌کند. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۷).

ب) تعریف عملیاتی: در این پژوهش، سرمایه‌ی اجتماعی بر مبنای دو شاخص اصلی اعتماد و همکاری بین زوجین سنجیده شده است. شاخص اعتماد اجتماعی خانوادگی عبارت است از انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی که زوجین نسبت به یکدیگر و .... دارند (پاکستون، ۱۹۹۹: ۱۰۵). به منظور سنجش اعتماد اجتماعی پاسخگویان، از آنان خواسته شد که میزان اعتماد خود را به همسرانشان بیان کنند. به این منظور، ۸ گویه در قالب طیف لیکرت، با دامنه‌ی نمرات ۱ تا ۵، طراحی و پس از بررسی اعتبار صوری و روایی آنها در مرحله‌ی مطالعه‌ی مقدماتی، سنجهی اعتماد اجتماعی خانوادگی تهیه و به پاسخگویان عرضه شد. دامنه‌ی این مقیاس از ۸ تا ۴۰ بود. شاخص همکاری خانوادگی به استعدادها و کیفیت‌هایی در فرد اشاره دارد که او را به سوی ارتباط با همسر سوق می‌دهد، از جمله حس فداکاری، درک وظایف، وفاداری و همبستگی با خانواده و اهتمام داشتن به همکاری اشتراکی و زندگی اجتماعی (کلرهارلز و همکاران، ۱۹۹۲: ۳۱۲). بدین منظور، از ۹ گویه در قالب طیف لیکرت، از ۱ تا ۵، استفاده شد و پس از تأیید اعتبار صوری و روایی آنها در مرحله‌ی مطالعه‌ی اکتشافی به سنجش همکاری خانوادگی پاسخگویان پرداخته شد. دامنه‌ی نمرات این مقیاس بین ۹ تا ۴۵ بود.

برای ساخت مقیاس سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی نمرات هریک از مقیاس‌های اعتماد و همکاری با هم ترکیب شدند. با توجه به حداقل و حداکثر نمرات مشخص شده شاخص‌های اعتماد و همکاری، دامنه‌ی تغییرات نمره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بین ۱۷ تا ۸۵ است. مقدار آلفای کرونباخ مقیاس سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی ۰/۸۳ است که حاکی از بالا بودن مقدار روایی این سنجه است.

## یافته‌ها و نتایج تحقیق

## الف. ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی نمونه‌ی آماری

۱. از نظر توزیع سنی پاسخگویان ۰/۳ درصد در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله، ۴۷ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله، ۴۹/۴ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ ساله و ۳/۴ درصد سالخورده‌اند. در کل، میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۲/۰۲ سال است.
۲. از کل افراد بررسی شده ۳۹/۷ درصد بی‌سواد و مابقی (۶۰/۳ درصد) باسواداند. در میان مقاطع تحصیلی گوناگون، ۱۹ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۰/۸ درصد دیپلم، ۸/۸ درصد فوق دیپلم، ۸/۸ درصد لیسانس و ۲/۹ درصد فوق لیسانس بودند.
۳. توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال حاکی از آن است که از مجموع ۳۸۵ پاسخگو ۷۹ درصد خانه‌دار و ۲۱ درصد شاغل بودند.
۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب محل تولد نشان می‌دهد که ۷۵/۸ درصد در شهر و ۲۴/۲ درصد در روستا متولد شده‌اند.
۵. ۶۷/۳ درصد زنان بررسی شده هیچ نسبت خویشاوندی با همسران خود ندارند و ۲۰/۸ درصد آنان با اقوام درجه اول و نزدیک خود و ۱۱/۵ درصد با اقوام دور خویش ازدواج کرده‌اند. میانگین سن آنها در زمان اولین ازدواج ۱۹/۵ سال بوده است.

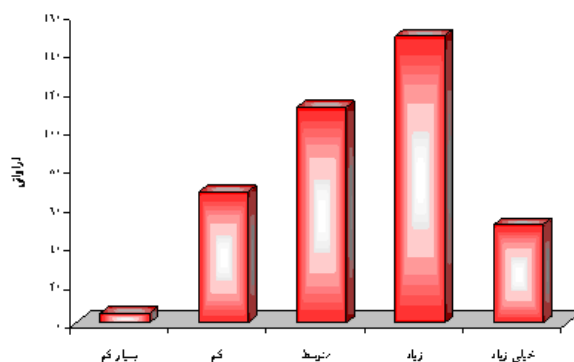
## ب) سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی و ابعاد آن

برای سنجش میزان سرمایه‌ی اجتماعی از دو شاخص اعتماد و همکاری خانوادگی استفاده شده است. جدول ۱ آماره‌های توصیفی اعتماد، همکاری و سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی را نشان می‌دهد. میانگین نمره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی ۵۶/۷۵ است که با توجه به مقدار میانه (۵۹) حاکی از بالا بودن مقدار این متغیر نسبت به حد وسط این مقیاس (۵۱) است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی و ابعاد آن

متغیر (دامنه نمرات)	میانگین	انحراف	چولگی	کشیدگی	میانه	نما
اعتماد (۸ تا ۴۰)	۲۹/۲	۷/۰۴	-۰/۶۳	-۰/۵۶	۳۲	۳۲
همکاری (۹ تا ۴۵)	۲۷/۵۴	۶/۶۵	۰/۱۰۹	-۰/۵۹	۲۸	۱۸
مقیاس سرمایه	۵۶/۷۵	۱۲/۶۸	-۰/۳۷	-۰/۷۲	۵۹	۳۸

شکل ۱ توزیع نمرات سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی را نشان می‌دهد. توزیع فراوانی این متغیر نسبت به توزیع نرمال، به مقدار  $-0/37$  چولگی دارد و میزان کشیدگی آن  $-0/72$  است.



شکل ۱. بافت‌نگار توزیع فراوانی سرمایه‌ی اجتماعی خانواده

جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب میزان سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی و در سطح ترتیبی نشان می‌دهد. از مجموع ۳۸۵ زن بررسی شده،  $1/63$  درصد دارای سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی کم،  $17/7$  درصد خیلی کم و  $29/1$  درصد دارای سرمایه اجتماعی متوسطی بودند. در این میان، نیمی از افراد ( $51/9$  درصد) دارای سرمایه اجتماعی خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیاداند.

جدول ۲. توزیع فراوانی سرمایه‌ی اجتماعی خانواده

میزان سرمایه‌ی اجتماعی	فراوانی	درصد
بسیار کم	۵	۱/۳
کم	۶۸	۱۷/۷
متوسط	۱۱۲	۲۹/۱
زیاد	۱۴۹	۳۸/۷
خیلی زیاد	۵۱	۱۳/۲
جمع	۳۸۵	۱۰۰

## ج) خشونت خانگی و ابعاد آن

در مطالعه‌ی حاضر خشونت خانگی علیه زنان در چهار بعد خشونت فیزیکی مستقیم، خشونت فیزیکی غیر مستقیم، خشونت روانی- عاطفی و خشونت اقتصادی- اجتماعی سنجیده شده و نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تجربه‌ی انواع خشونت خانگی

ابعاد خشونت خانگی علیه زنان	بسیار کم، %	کم، %	متوسط، %	زیاد، %	خیلی زیاد، %
روانی- عاطفی	۲۰/۱	۳۴/۷	۱۷/۲	۱۶/۲	۱۱/۷
اقتصادی- اجتماعی	۳۹	۲۴/۴	۲۲/۱	۳/۶	۱۰/۹
فیزیکی مستقیم	۵۴/۵	۲۶/۲	۱۲/۵	۲/۹	۳/۹
فیزیکی غیر مستقیم	۱۹/۵	۳۳/۸	۱۱/۴	۲۷	۸/۳
مقیاس کلی خشونت خانگی علیه زنان	۲۵/۷	۳۵/۹	۲۲/۳	۱۲	۴/۲

بررسی توزیع ابعاد خشونت خانگی حاکی از آن است که در نمونه‌ی زنان بررسی شده در شهر خرم‌آباد، کمترین تجربه در حوزه‌ی خشونت فیزیکی مستقیم است، به نحوی که فقط ۶/۸ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد این نوع خشونت را تجربه کرده‌اند. بیشترین موارد در حوزه خشونت فیزیکی غیر مستقیم و روانی- عاطفی است، به نحوی که به ترتیب ۳۵/۳ و ۲۷/۹ درصد زنان بررسی شده اظهار کرده‌اند که شاهد این نوع خشونت از طرف همسران خود بوده‌اند.

جدول ۴. آماره‌های توصیفی مقیاس خشونت خانگی

میانگین	میانه	مد	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار
۸۳/۱۴	۷۳/۵۰	۶۲	۰/۷۵	-۰/۱۲	۳۱

جدول ۴ آماره‌های مقیاس خشونت خانگی را نشان می‌دهد. میانگین و میانه‌ی این نمونه به ترتیب ۸۳/۱۴ و ۷۳/۵۰ است. با توجه به اینکه حد پایین و بالای این مقیاس بین ۳۴ تا ۷۰ و حد وسط آن ۱۳۷ است، می‌توان گفت که وضعیت خشونت خانگی علیه زنان در نمونه‌ی بررسی شده خیلی کمتر از حد وسط مقیاس است، با این حال وجود ۱۶/۲ درصد افرادی که

خشونت خانگی را در حد زیاد و خیلی زیاد و ۲۲/۳ درصدی که خشونت خانگی را در حد متوسط تجربه کرده اند، جای تأمل بیشتر دارد.

(د) سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و خشونت خانگی

جدول ۵ ضرایب رگرسیونی ساده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و مولفه آن را با خشونت خانگی علیه زنان در قالب سه معادله نشان می‌دهد. ارقام جدول حاکی از آن است که رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و شاخص‌های اعتماد و همکاری با خشونت خانگی معنی‌دار و در حد بالایی است، به نحوی که به ترتیب ۵۸، ۵۳ و ۴۸ درصد تغییرات خشونت-خانگی را تبیین می‌کنند.

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن با خشونت خانگی علیه

زنان

متغیر ملاک: خشونت خانگی علیه زنان									متغیرهای مستقل
معادله ۳			معادله ۲			معادله ۱			
B	s.e	Beta	B	s.e	Beta	B	s.e	Beta	
-	-	-	-	-	-	۳/۲۲	۰/۱۷۳	-۰/۶۹	شاخص همکاری
-	-	-	-۳/۲	۰/۱۵	-۰/۷۲	-	-	-	شاخص اعتماد
-۱/۸۸	۰/۰۸	-۰/۷۶	-	-	-	-	-	-	متغیر سرمایه اجتماعی
۱۹۰	۴/۶۸	---	۱۷۶/۱	۴/۶	---	۱۷۲/۱	۴/۹۰۱	---	مقدار ثابت
۰/۷۶			۰/۷۲۸			۰/۶۹۲			R
۰/۵۸			۰/۵۲۹			۰/۴۷۹			R-square
۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			Sig

جدول ۶. ضرایب رگرسیونی متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن با خشونت خانگی

متغیر ملاک: خشونت خانگی علیه زنان						متغیرهای مستقل	
معادله‌ی ۲			معادله‌ی ۱				
B	s.e	Beta	B	s.e	Beta		
-	-	-	-۱	۰/۲۲	-۰/۲۱	شاخص همکاری	متغیرهای داخل معادله
-	-	-	-۲/۰۶	۰/۱۹	-۰/۴۶	شاخص اعتماد	
-۱/۵۸	۰/۰۹	-۰/۶۴	-	-	-	متغیر سرمایه اجتماعی	
-۴/۸۸	۰/۷۹	-۰/۲۲	-۵/۴۳	۰/۸۱	-۰/۲۵	تحصیلات زن	
		N/S			N/S	تحصیلات والدین زن	متغیرهای خارج شده از معادله
		N/S			N/S	تحصیلات والدین شوهر	
		N/S			N/S	تحصیلات شوهر	
		N/S			N/S	درآمد شوهر	
		N/S			N/S	سن در زمان ازدواج	
۱۸۴/۸	۴/۵	---	۱۸۴/۱۶	۴/۵۲	---	مقدار ثابت	
۰/۷۹۲			۰/۷۹۶			R	
۰/۶۲۷			۰/۶۳۴			R-square	
۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			Sig	

N/S: no significant

در معادله‌ی ۱ متغیرهای زمینه‌ای به همراه متغیرهای همکاری و اعتماد و در معادله‌ی ۲ متغیرهای زمینه‌ای به همراه متغیر سرمایه‌ی اجتماعی در تحلیل رگرسیونی وارد شده‌اند. به منظور بررسی رابطه‌ی همزمان متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه‌ی اجتماعی با خشونت خانگی یک‌بار دیگر معادله‌ی رگرسیون چند متغیره با استفاده از متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات زن، تحصیلات شوهر، تحصیلات پدر و مادر زن، تحصیلات پدر و مادر شوهر، درآمد شوهر، سن زن در زمان ازدواج اجرا شد.

اگرچه همه‌ی متغیرهای زمینه‌ای دارای همبستگی ساده‌ی معنی‌دار با خشونت خانگی‌اند، پس از اجرای تحلیل رگرسیون چند متغیره، فقط متغیر تحصیلات زن حائز شرایط لازم برای



ورود به معادله است و بقیه‌ی متغیرها حذف شدند (جدول ۶). این امر حاکی از اهمیت متغیر تحصیلات به منزله‌ی ابزار اصلی در فرایند توانمندسازی زنان در مقابله با خشونت خانگی است.

### نتیجه‌گیری

یکی از مسائل اجتماعی مبتلا به کلیه‌ی جوامع مخصوصاً جوامع سنتی و در حال گذار، مسئله‌ی خشونت خانگی علیه زنان است. خشونت خانگی از مشکلی کم‌اهمیت و درونی‌شده به مسئله‌ی اجتماعی قابل فهمی تبدیل شده است، زیرا سلامت جامعه با سلامت خانواده پیوند مستقیم دارد.

پدیده‌ی خشونت علیه زنان دارای ماهیتی چندبعدی است. اگرچه به این پدیده از منظرهای متفاوتی نگریسته شده است، به این واقعیت که خشونت خانگی از اختلال در تعاملات سالم اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی و عدم دسترسی به منابع با ارزش نتیجه می‌شود کمتر توجه شده است.

سرمایه‌ی اجتماعی شامل شبکه‌ها، هنجارها، پیوندها و اعتماد اجتماعی است که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را آسان می‌سازد. پاتنام بر این باور است که سرمایه‌ی اجتماعی در گروه‌های مدنی، دینی، خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی دوستان و خویشاوندان، داوطلب شدن، از خودگذشتگی و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و همکاری در بین شبکه‌ها منابع اصلی سرمایه اجتماعی‌اند.

کلمن نیز معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی و تغییرپذیری آن ذاتاً در روابط والدین و فرزندان وجود دارد و منجر به رشد اجتماعی آنان می‌شود. به اعتقاد او، برای تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی دو عامل مهم اند: اول میزان اعتماد در محیط اجتماعی به معنای آن که تعهدات بازپرداخت خواهند شد و دوم میزان واقعی تعهداتی که فرد بر عهده می‌گیرد. مثلاً رابطه‌ی بین زن و شوهر و نظام اعتماد ایجادشده بین آنها سرمایه‌ی اجتماعی را پدید می‌آورد (کلمن، ۱۳۷۰: ۴۶۷). اگر سرمایه‌ی اجتماعی نابود شود روابط اجتماعی از بین می‌رود و در نتیجه، انتظارات و تعهدات هم از بین خواهد رفت و نظام اعتمادی نابود و این امر منجر به خشونت خواهد شد.

پژوهش حاضر با تکیه بر فرض اساسی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی فوکویاما مبنی بر " در نظر گرفتن آسیب‌ها و مسائل اجتماعی به منزله‌ی نبود سرمایه‌ی اجتماعی " به بررسی رابطه‌ی خشونت خانگی علیه زنان با میزان سرمایه اجتماعی خانواده در شهرستان خرم‌آباد پرداخته است. به این منظور، ۳۸۳ نفر از زنان شوهردار تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهر خرم‌آباد انتخاب و بررسی شدند.

نتایج حاصل از بررسی توزیع ابعاد خشونت خانگی حاکی از آن است که در نمونه‌ی زنان بررسی شده، بیشترین تجربه در حوزه‌ی خشونت فیزیکی غیر مستقیم و روانی- عاطفی و کمترین موارد در حوزه‌ی خشونت فیزیکی مستقیم است. این امر مؤید کاهش در آسیب‌های جسمی مستقیم و به نوعی تغییر در خرده‌فرهنگ خشونت است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی حاکی از آن است که نیمی از افراد ( ۵۱/۹ درصد) دارای سرمایه‌ی اجتماعی خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیادند. در این میان، ۱/۶۳ درصد دارای سرمایه اجتماعی خانوادگی کم، ۱۷/۷ درصد خیلی کم و ۲۹/۱ درصد دارای سرمایه‌ی اجتماعی متوسطی بودند.

نتایج حاصل از تحلیل‌های رگرسیونی نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنی‌دار بین خشونت خانگی علیه زنان با سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و مؤلفه‌های آن ( همکاری و اعتماد ) است. همبستگی معنی‌دار و منفی بالا بین شاخص همکاری و خشونت خانگی، ( $r = -0.692, p < 0.01$ ) تأییدکننده نظریه‌ی کلمن است. او یکی از عوامل بسیار مهم و سازنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را هنجارهای موثر می‌داند که فرد را وادار می‌کند از منافع فردی گذشته و به سود منافع جمعی عمل کند: وجود همکاری میان زن و شوهر موجب آسان‌سازی کنش‌های میان آنان شده و در نهایت از بروز آسیب‌هایی نظیر خشونت جلوگیری می‌کند.

بین اعتماد خانگی و خشونت خانگی نیز ارتباط معنی‌دار و معکوس بالایی ( $p < 0.01$ ) وجود دارد، به نحوی که در حدود ۵۳ درصد واریانس خشونت خانگی را اعتماد اجتماعی در خانواده تبیین می‌کند. این یافته مؤید نظریه‌ی پاتنام می‌باشد. پاتنام معتقد است اعتماد از عناصر بسیار مهم تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی است و از اعتماد به عنوان هسته‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی نام می‌برد که زمینه را برای همکاری و توسعه‌ی اجتماعی فراهم می‌سازد. در خانواده نیز هر اندازه اعتماد بین زن و شوهر بیشتر باشد، همکاری بین آنها بیشتر خواهد شد و همین امر سبب می‌شود از آسیب‌های تهدیدکننده‌ی نهاد خانواده جلوگیری شود

. خشونت خانگی نیز یکی از این آسیب‌هاست که با افزایش اعتماد بین همسران کمتر خواهد شد.

با ترکیب واریانس نمرات شاخص‌های اعتماد و همکاری در قالب مقیاس سرمایه‌ی اجتماعی و پس از اجرای تحلیل رگرسیونی مشخص شد که سرمایه‌ی اجتماعی خانواده به‌تنهایی ۵۸ درصد واریانس خشونت خانگی علیه زنان را تبیین می‌کند. این یافته مؤید نظریه‌ی فوکویاما است. او معتقد است بین سرمایه‌ی اجتماعی و آسیب اجتماعی رابطه‌ی حتمی وجود دارد. فوکویاما بر این باور است که سرمایه‌ی اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، و در مقابل، آسیب‌های اجتماعی و از جمله خشونت خانگی بازتاب نبود سرمایه‌ی اجتماعی است.

یافته‌های پژوهش حاضر علاوه بر تأیید نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، مؤید نظریه‌ی شبکه‌ی روابط خانوادگی الیزابت بات و نظریه‌ی آثار تعامل است. الیزابت بات دو الگوی متفاوت از روابط خانوادگی معرفی می‌کند. الگوی اول را مناسبات تفکیکی نقش‌های زناشویی نامگذاری می‌کند و از الگوی دوم با عنوان مناسبات مربوط به نقش‌های مشترک نام می‌برد که نقطه‌ی مقابل نظریه‌ی تفکیک نقش‌های پارسونز است. در این نوع از مناسبات، زن و شوهر در اکثر فعالیت‌ها با هم همکاری و همفکری داشته و تضاد منافع و علایقشان حداقل است. نظریه‌ی بات مشخصاً به شبکه‌ی روابط خانوادگی و اجتماعی خانواده اشاره دارد و بدین نتیجه می‌رسد که در خانواده‌هایی که تقسیم وظایف در آنها سنتی است، شبکه‌ی روابط اجتماعی به صورت متصل و محدود ظاهر می‌شود، اما زن و شوهری که به صورت مشارکتی زندگی می‌کنند دارای شبکه‌ی اجتماعی پراکنده بوده و در این حالت خشونت به حداقل می‌رسد (روی، ۱۳۷۷: ۲۳ و ۲۱).

بر اساس نظریه‌ی آثار تعامل، شرایط گفتگوی دو طرفه زمانی شکل می‌گیرد که کنش ارتباطی در مفهوم هابرماسی آن حضور داشته باشد کنشگران در فضایی به دور از تنش نظرات خویش را تبادل کنند. هابرماس معتقد به شکل‌دهی فضای کنش ارتباطی است. در این هم‌کنشی، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند. « زبان مشترک » این امکان را فراهم می‌آورد و در صورت بروز اختلاف نظر، برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز طرفین فقط باید به

دلیل متوسل شوند. پس نیروی الزام‌آور اعمال گفتاری در گرو نیرومندی غیر خشن دلائل است (هابرماس، ۱۳۷۷: ۴۵).

بررسی تاثیر همزمان سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن به همراه متغیرهای زمینه‌ای نتایج قابل توجهی به دنبال داشت. از مجموع متغیرهای تحصیلات زن، تحصیلات شوهر، تحصیلات پدر و مادرزن، تحصیلات پدر و مادرشوهر، درآمد شوهر و سن زن در زمان ازدواج، فقط تحصیلات زن حائز شرایط لازم برای ورود به معادله بود و بقیه‌ی متغیرها حذف شدند. این یافته علاوه بر تأیید نظریه‌ی منابع ویلیام گود، حاکی از اهمیت متغیر تحصیلات به‌منزله‌ی ابزار اصلی در فرایند توانمندسازی زنان در مقابله با خشونت خانگی است. بر پایه‌ی نظریه‌ی منابع، نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظامی اقتداری است و هر کس به منابع مهم خانواده، مانند تحصیلات، بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در مسیر امیال خود وادار و تصمیم‌گیری‌های مهم با اوست (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۱).

## منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، نشرنی
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) خشونت خانوادگی؛ زنان کتک خورده، نشر سالی
- امیرمردادی، فرشته (۱۳۷۵) "بررسی مشکلات جسمی و روانی زنان مضروب تحت خشونت همسران مراجعه به پزشکی قانونی شهر تهران در سال ۱۳۷۵"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده‌ی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران
- بگریضایی، پرویز (۱۳۸۲) "بررسی عوامل موثر بر میزان خشونت مردان نسبت به زنان مطالعه موردی شهرستان ایلام"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی
- بیات، فرزانه (۱۳۷۸) "بررسی قربانیان زن آزاری مراجعه کننده به پنج واحد پزشکی قانونی استان تهران"، در همشهری، سال هفتم، شماره ۱۹۱۵
- خاقانی فرد، میترا (۱۳۸۲) "بررسی رابطه‌ی همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب رساندن به همسر در زنان مورد خشونت قرار گرفته شهر تهران"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا
- درویش‌پور، مهرداد (۱۳۸۷) "چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند" در زنان، شماره‌ی ۵۶
- روی، ماریا (۱۳۷۷) زنان کتک خورده: روانشناسی خشونت در خانواده، ترجمه‌ی مهدی قراچه‌داغی، نشر علمی
- رئیسی سرتیشینیزی، امرالله (۱۳۸۱) "خشونت علیه زنان و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهرستان شهر کرد)" در فصلنامه‌ی پژوهش زنان، شماره‌ی ۲، دوره‌ی ۱
- زنگنه، محمد (۱۳۸۰) "بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده، مطالعه موردی شهر بوشهر" پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
- سازمان جهانی بهداشت (۱۳۸۰) "خشونت علیه زنان"، ترجمه‌ی دکتر شهرام رفیعی و مهندس سعید پارس‌نیا، انجمن آموزش بهداشت و ارتقای سلامت خانواده، نشر

تندیس

- عارفی، مرضیه (۱۳۸۲) "بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه" در مطالعات زنان، سال اول، شماره ۲
- غیاثی و جوکار (۱۳۸۱) خلاصه‌ی مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران: بررسی عوامل مؤثر بر همسرآزاری در استان ایلام، انجمن جامعه‌شناسی
- فورواد، سوزان (۱۳۷۷) مردان زن ستیز، ترجمه‌ی شیما نعمت‌الهی، انتشارات خجسته
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵) پایان نظم و بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن، غلام‌عباس توسلی، جامعه‌ی ایرانیان
- فیلد، جان (۱۳۸۸) سرمایه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری و حسین رضایی، کویر
- کلانتری، صمد و حمیدیان، اکرم (۱۳۸۷) بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی با تاکید خشونت خانگی در شهر اصفهان)، فصلنامه توسعه انسانی، دوره دوم، شماره چهارم.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹) پژوهشی درباره‌ی خشونت خانگی علیه زنان در ایران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، نشرنی
- هابرماس، یورگن (۱۳۷۷) کنش ارتباطی: بدیل خشونت ترجمه‌ی ابراهیم سلطانی، در کیان، شماره ۴۵
- Dallos, R. and Mclaughlin, E. (1994) Social Problems and Family, London, Sage publication
- Good William. J. (1994) the Family, second edition, New Delhi, Prentice hall of India.
- Jacobs, J. (1961) The death and Life of great American Cities: the failure of town planning, Random House, New York
- Kelllerhals, J. C & Richard, G. (1992). "Social Status type of family Interaction and educational styles", Arch, Europe Social /XXXIII.308-325.
- Larance, Lisa Young (2004) "Support Group Membership as a process of social formation among female survivors of domestic violenc", journal of Intrapersonal Violence, Vol.19 ,NO.6,676-690.
- Putnam, R. D. (2000) Bowling alone: the collapse and revival of American community, Simon and Schuster, New York.
- Paxton, Pamela. (1999) "Is Social Capital Declining in the united stated? A Multiple Indicator Assessment" in "American Journal of sociology, Vol. 105, No.1.

- Rosenfeld, R., Messner, S.F. and Baumer. E. (2001) "Social Capital and Homicide", in *Social Forces*, 80, 1, 283-309.
- Schaeffer, F. T. and Lamm, R.P. (1992) *Sociology*, New York, Mc Graw Hill.
- Zolotor, Adam J., Runyan, Desmond K. (2006) "Social Capital, Family Violence, and Neglect". *Pediatrics* Vol.117 No.6 June 2006, pp .e 1124-e1131

